

یک درخواست

عباس عبدي

به طور معمول مطالب خود را خطاب به جامعه یا مسوولان اجرايي مي‌نويسم، ولي اين مورد را به عللي که در ادامه مي‌آيد، چاره‌اي نبود جز اينکه در قالب درخواست و خطاب به مقام رهبري نوشته شود. اميد دارم که براي آن اقدامي انديشه شود، چون دولت و به طور مشخص وزارت بهداشت و نيز نمايندگان مجلس اقدام ملي و موثري در اين زمينه نمي‌کنند، و اصولاً گوش شنوا و زبان پاسخگويي در اين دو قوه در موضوع مورد بحث، يعني مصوبه فرزندآوري وجود ندارد. ماجرا از ارديبهشت سال ۱۳۹۳ و با ابلاغ سياست‌هاي کلي «جمعيت» از سوي مقام رهبري آغاز شد. بنده تاکنون چندين يادداشت درباره جمعيت و زاد و ولد و ضرورت توجه به رفع موانع فرزندآوري و در عين حال نقد طرح قانوني مجلس و برنامه‌هاي تأسف‌آور آن براي افزايش زاد و ولد نوشته‌ام. سياست‌هاي کلي جمعيت به نسبت روشن و سازنده است و يك بسته کلي است که نمي‌توان بخشي را فراموش و بخشي را برجسته کرد. با اين حال چند نکته کليدي در آن است که متأسفانه در طرح مصوب مجلس نادیده گرفته شده است، از جمله مواردی که چندین بار تأکید شده، سلامت و بهداشت کودک و مادر به ویژه در پيشگيري از بيماري‌ها است. روح سياست‌هاي کلي «جمعيت» قابل دفاع است و بر اساس اجبار يا نقض حقوق مردم و از همه مهم‌تر نادیده گرفتن امور بهداشت و سلامتي مادر و کودک نيست، بلکه برعکس روح آن براساس اختيار و حق انتخاب و تامين حداکثر سلامتي است. در حالي که طرح مصوب مجلس خلاف اين روح است. نمونه روشن آن محدود و خارج کردن وسايل پيشگيري از دسترسي عمومي مردم يا مقرراتي که براي لغو فرآيند جاري غربالگري وضع کرده‌اند است، که نقض حقوق اوليه کودک و خانواده است و وجود آن نيز هيچ مغايرتي با شرع و قانون نداشته که تاکنون هم اجرا ميشد. متأسفانه اين مقررات از طرف وزارت بهداشت به مراکز تحت مديريت ابلاغ شده و بخشي از دستاوردهاي مهم بهداشتي کشور در اين چند دهه را با خطر مواجه کرده و طبيعي است که دود اصلي اين سياست‌ها نيز ابتدا به چشم طبقات فقير مي‌رود، سپس در آينده نزديک جامعه را با هزينه‌هاي سنگين نگهداري و درمان کودکان معلول و بيمار روبرو مي‌کند. در درك نادرست تصويب‌کنندگان کافي است گفته

شود، زوج‌هایی که اقدام به فرزندآوری می‌کنند، اگر به عللی از جمله معلولیت یا نقص جسمی و سندروم داون، جنین را سقط نمایند، دو باره اقدام به فرزندآوری می‌کنند و غربالگری هیچ اثر منفی بر انگیزه فرزندآوری آنان ندارد. این سیاست نابخردانه جز اینکه کودکان ناقص را بیشتر، و خانواده آنان را از آوردن فرزند بعدی پشیمان می‌کند نتیجه دیگری ندارد. جالب اینکه سیاست ضدیت با غربالگری و حذف خدمات بیمه‌ای آن، به‌طور قطع انگیزه فرزندآوری را در طبقات متوسط و بالا هم کم خواهد کرد. زیرا بسیاری از افراد این طبقه به ویژه در سنین بالای ۳۵ سال حاضر نیستند بدون غربالگری خطر بارداری را بپذیرند.

سیاست‌های کلی جمعیتی نظام معقول و قابل دفاع است. بعید است کارشناسی با اهداف آن مخالف باشد. ولی هنگامی که در اجرا شاهد این روش‌های غیرکارشناسی هستیم که با مخالفت عموم مردم و کارشناسان مواجه می‌شود، غیرمنطقی بودن این روش‌ها به آن اهداف کلی تعمیم داده می‌شود. چرا باید يك هدف کارشناسی و معقول، قربانی يك تصمیم غیرکارشناسی و نیندیشیده شود؟

پزشکان و نهاد بهداشت و درمان این سیاست را مغایر با فلسفه این حرفه میدانند، ولی معلوم نیست که چرا وزارت بهداشت و درمان به جای مقابله با این سیاست نادرست و خلاف، سکوت کرده و پاسخی نمی‌دهد. علی‌هذا و با توجه به اینکه این سیاست‌های نادرست و زیان‌بار به نام اجرای سیاست‌های جمعیتی و خواست رهبری نظام انجام می‌شود و با توجه به اینکه مقام رهبری حساسیت ویژه‌ای در التزام به نظر پزشکان و علم پزشکی دارند و این را در ماجرای تزریق واکسن بارها اعلام کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود که ترتیبی اتخاذ نمایند که اجرای این بخش‌های خلاف اخلاق و انسانیت و محدودکننده حق انتخاب زوجین، که غیر مسوولانه تدوین شده است متوقف شود و برای رسیدگی علمی و حقوقی به جمعی از کارشناسان نخبه کشور ارجاع شود یا رأساً مانع از اجرای این سیاست‌های نادرست شوند.

مصوبه کنونی در تاریخ به عنوان نقطه تیره‌ای در اذهان باقی خواهد ماند. اگر علم پیشرفت نکرده بود و چنین کودکانی متولد می‌شدند، طبعاً وظیفه اخلاقی و انسانی ما بود که از آنان نگهداری کنیم، ولی اکنون که علم چنین امکاناتی را فراهم کرده، آیندگان، مسوولان امروز را مقصر افزایش چنین نوزادانی تلقی خواهند کرد. هدف اصلی در رشد جمعیت، تولد نوزادانی است که آینده این کشور را سر و سامان دهند و لذت ببرند، نه آنکه تمام عمر تحت درمان باشند و از اینکه نمی‌توانند در خدمت توسعه جامعه و دیگران باشند عذاب بکشند.

منبع: روزنامه اعتماد 29 فروردین 1401 خورشیدی